تخطئه نگاه نقطه‌ای به پایه‌ها و مسیر اندرست علوم شناختی

آنچه که منظور من است، این است: پایه‌هایی که خداوند متعال فراهم کرده، یک کلمه و دو کلمه نیست که نقطه‌ای حرف بزنیم؛ این خیلی مهم است. پیشتر ایدئان هست که عرض کردم رادیو چطور است. افرادی که خیلی سر درنمی‌آورند - مثلاً کسی که هیچ چیزی از رادیو نمی‌داند - شما اگر یک ضبط برایش روشن کنید در مقایسه با اینکه یک رادیو روشن کنید، نزدش این دو دستگاه هیچ فرقی با هم ندارند و می‌گوید این، صندوقی است که حرف می‌زند و آن رادیو هم صندوقی است که حرف می‌زند. اما کسی که فرق رادیو با ضبط صوت را می‌داند، چه می‌فهمد؟ می‌گوید این صوتی که دارد از رادیو می‌آید، کیلومترها آنطرفتر، کسی دارد حرف می‌زند؛ اوست که حرف می‌زند. اما از ضبط که صدا در می‌آید، کسی در بیرون حرف نمی‌زند و از اندرون خود این ضبط، کاری می‌کند که صدا بیرون می‌آید.

لذا عرض کردم در «Cognitive science» و علومی که امروزه دنبال بدنمندی هستند فعلاً رویکردشان، رویکرد ضبط صوت است که برومی و ببینیم چه می‌شود که این بشر به این صورت فکر می‌کند و حرف می‌زند و اسم آن را رابطه علّی می‌گذارند. یعنی مغز و بدن طوری اعمالی را انجام می‌دهد که برای ظهور ذهن و فکر، برای سائر حالات ذهنی علّیت دارد و فقط همین است. آنچه که الآن بحث ما است، به این برمی‌گردد که می‌خواهیم بگوییم به بشر نگاه ضبط صوت نکنید. نگاه رادیو بکنید یا نکنید؟ تازه جلوتر می‌رود! من می‌گویم به جای اینکه نگاه رادیو کنید یا نگاه ضبط صوت کنید، بشری که الآن با او مواجه می‌شوید، نگاه موبایل‌های امروزی کنید؛ موبایل‌های هوشمند. کسی که از این موبایل‌ها سر درنیاورد، وقتی صدایی از آن درمی‌آید، می‌گوید یک صدایی از آن درمی‌آید و هیچ نمی‌فهمد از کجاست. اما کسی که شئونات این موبایل را می‌داند، می‌داند که گاهی وقتی کلیپی پخش می‌شود، در خود این موبایل ذخیره شده؛ در خودش مثل ضبط ذخیره شده. اما گاهی یک چیزی پخش می‌شود که الآن این موبایل به جای دیگری وصل است، او از بیرون حرف می‌زند که این موبایل حرف او را پخش می‌کند؛ زنده دارد حرف می‌زند. بین این دو خیلی تفاوت است. این تفاوت را چه کسی می‌فهمد؟ کسی که قابلیت این موبایل را بداند و بگوید این موبایل را طوری ساخته‌اند که هم می‌تواند این صدا را از اندرون خودش پخش کند و هم می‌تواند دریافت کند؛ آنتن دارد و می‌تواند صدای دیگری را بگیرد و پخش کند.

این بدنی که خدای متعال برای انسان آفریده، شئوناتش به مراتب از این موبایل‌ها گسترده‌تر است. یعنی گاهی صرفاً دارد از اندرون خودش و از قوای دماغی تراوش می‌کند و گاهی دقیقاً اشراق‌محور است که از بیرون می‌آید و اصلاً نمی‌توانند برای اینجا باشد. چه کسی فرق اینها را می‌فهمد؟ کسی که همه شئونات و قابلیت‌هایی که خدای متعال در انسان گذاشته را بفهمد. الآن این موبایل به اینترنت وصل هست یا نیست؟ سیم کارتش کجا است و ... . اگر من سر درنیاورم، اصلاً نمی‌فهمم چه کاری از آن برمی‌آید. کلیپ‌هایی که در آن ذخیره شده، با بقیه چه تفاوت‌هایی می‌کند! هیچ‌کدام را

نمی‌دانم. همین که یک چیزی روی صفحه می‌آید را می‌بینم. اما کسی که آگاه به شئونات آن است، فرق همه اینها را می‌داند. آنجا که به‌صورت زنده پخش می‌شود، می‌گوید الآن در آنجا کسی حرف می‌زند که این موبایل من در اینجا پخش می‌کند و این، فیلم نیست.

مقصود من این است: این علوم شناختی، زمانی در مسیر کمال خودش حرکت می‌کند که اینچنین به بشر نگاه کند، نه رابطه علّی بین مغز و ذهن؛ این رویکرد فیزیکالیستی که اینها دارند یک کم‌وبود بسیار زیادی دارد و بسیار ناقص است؛ شما بشر را از این موبایلی که دارید، به‌مراتب پایین‌تر و عاجزتر فرض می‌کنید که رابطه علّی بین عملکرد مغز او و ذهنش برقرار می‌کنید و حال آنکه خداوند متعال پاهای آفریده که نقطه‌ای و صفر و یکی نیست، بلکه خداوند متعال هزاران هزار سیستم مختلف بین این بنیه او قرار داده: یکی از آنها آنتن است و دیگری کذا است. این در درک عظمت دستگاه‌هایی که خداوند متعال آفریده خیلی اهمیت دارد.

بازبینی #2
ایجاد شده 22 اکتبر 2024 13:27:21 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 اکتبر 2024 14:19:14 توسط ... .